



۸۵

سوسیالیسم امروز

۱۳ بهمن ۱۳۹۷ - ۲ فوریه ۲۰۱۹

www.simroz.org

S_zijji@yahoo.se

سرمدیه: سلام زبیدی

**دست امریکا از ونزوئلا کوتاه!
بحران ونزوئلا پاسخ سوسیالیستی می طلبد!**

صفحه ۴

**چند خبر و گزارش مهم کارگری
در هفته‌ای که گذشت!**

صفحه ۹

**معضلات واقعی پناهندگی
و قوانین روی کاغذ سازمان ملل!**

صفحه ۶

منشاء و جامعه شناسی تاریخی خانواده

صفحه ۷

**چندین سازمان و رهبران اتحادیه ها و نمایندگان
پارلمان دانمارک به دستگیری اسماعیل بخشی و
سپیده قلیان اعتراض کردند!**

صفحه ۱۰

بیانیه حزب سوسیالیست انقلابی ایران

در باره حداقل دستمزد سال ۹۸

(حداقل دستمزد کمتر از "خط فقر" ۶ میلیون تومان " جنایت است!)

صفحه ۲

**باید در مقابل تداوم
یورش جمهوری
اسلامی به فعالین
کارگری ایستاد!**

بنا به اخبار منتشر شده از سوی اتحادیه آزاد کارگران ایران، دو نفر از فعالین این نهاد به اسامی جعفر عظیم زاده و پروین محمدی، روز ۹ بهمن ۱۳۹۷ توسط مامورین جمهوری اسلامی دستگیر و روانه زندان شده اند.

جمهوری اسلامی به منظور سرکوب و عقب نشینی کردن به کل جامعه بر این واقعیت واقف است که اول باید طبقه کارگر و فعالین آنرا سرکوب و تحت فشار قرار بدهد. کارگرانی که پیام آور آزادی اند و صدای حق خواهی کل جامعه را دارند نمایندگی میکنند. از اینرو هر جامعه‌ی، از جمله جامعه ایران، چنانچه بخواهد به آزادی، برابری، رفاه، امنیت و رهایی از نکیبت جمهوری اسلامی دست پیدا کند، پیش شرط این مهم همراه شدن و حمایت قاطع و مستمر از طبقه کارگر و فعالین آن جنبش است!

این بازداشتها در ادامه جنایاتی است که علیه کارگران هفت تپه و فولاد و فعالین آنها صورت گرفت. اقدامات حساب شده ضد کارگری و ضد آزادیخواهان‌ه‌ی جمهوری اسلامی است تا بتواند به اهداف پلید خود نائل گردد. بقای این نظام از راه سرکوب و به گرسنگی کشاندن همین طبقه ممکن می‌گردد. به علاوه، هم اکنون فصل تعیین حداقل دستمزد سال ۹۸ کارگران است، و بازندانی

صفحه ۲

کارگران جهان متحد شوید!

باید در مقابل تداوم یورش ...

بیانیه حزب سوسیالیست انقلابی ایران در باره حداقل

دستمزد سال ۹۸

(حداقل دستمزد کمتر از "خط فقر" ۶ میلیون تومان "جنایت است!")

طبقه کارگر ایران اکنون در شرایط بسیار ویژه تری به پای فصل مبارزه برای افزایش حداقل دستمزد خود می‌رود. از یکسو شاهد عروج یک جنبش اعتراضی رادیکالتر کارگری، گسترش اعتراضات توده زحمتکشان و مزد بگیران در اقص نقاط کشور، اعتراض به اخراج و دستمزدهای معوقه در شهرها و مراکز مختلف، و به ویژه به همت مبارزات پیشرو کارگران هفت تپه و فولاد، که نه تنها کل جنبش را یک گام جلو برد، توانست توجه و حمایت بیش از پیش جامعه ایران و افکار عمومی جهانی را به حقانیت مبارزات طبقه کارگر ایران جلب نمایند، طوری که حتی پدید و قیحانه "اعتراف گیری" نیز به نفع طبقه کارگر و به زیان نظام فاسد اسلامی-سرمایه داران تمام گردید. برای مقابله با این روند، از سوی دیگر با یک مجموعه عکس العمل پیشگیرانه تعرضی امنیتی-اقتصادی و سرکوبگرانه سازمان یافته شده تر جمهوری اسلامی علیه طبقه کارگر روبرو هستیم. اما در مجموع جنبش ما و کل جامعه در موقعیت مساعد تری برای پیشروی بیشتر قرار دارد. در عین حال باید واقف بود که آن پیشروها و کسب موقعیت مساعد بدست آمده هنوز گامهای نخست جنبش ما برای ورود به یک نبرد سرنوشت ساز و نهائی کارگری-سوسیالیستی علیه کل بساط حاکمیت و سرمایه داری ایران میباشد. در صورت توجه جدی تر جنبش به رفع موانعها و کمبودهای موجود در این برهه پیشروی ما سریعتر و دستاوردهای بیشتر ممکن تر خواهد شد. اگر مبارزات طولانی مدت و پرشور و پیشرو هفت تپه و فولاد با موجی از اعتصاب و اعتراض سراسری کارگری، نه صرفا طومار نویسی و اطلاعیه حمایتی صادر کردن، رو برو میگردید اکنون با تناسب قوای بسیار مساعد تری رو میشدید حتی شاهد سرکوب و جنایت علیه فعالین آن دو مرکز کارگری هم در این ابعاد نمیبودیم.

کردن رهبران و فعالین کارگری مستقل و غیر دولتی در صدد سرکوب آن حداقل صدا و اعتراضی نیز هستند که جمهوری اسلامی هر سال با تدارک یورشهای جنایتکارانه ای در این فصل، با چنین اقداماتی راه برای تحمیل دستمزد بردگی مورد نظر خود را بدون مقاومت و اعتراض جدی طبقه کارگر و زحمتکش هموار نمایند. این ماه (بهمن ماه) نیز، گویا دوره نشان دادن "قدرت میلیونی خیابانی" پوچ و متکی به فریب و نیرویی سرکوب و خیل مزدوران و مفت خورانش هست تا بتواند ریژه "سالگرد انقلاب اسلامی"، در واقع سالگرد به خون کشاندن انقلاب ۵۷ را، به عنوان "قدرت" و "حمایت توده ای از نظامش" به خورد مدیای نوکر و مردم عقب مانده و مستاصل بدهند. نمایشی که حتی برای بخشی از خود آن نظام یک رویداد مضحک و فریبکارانه ی بیش نیست!

سرکوب و بازداشت گسترده فعالین در سالگرد این واقعه یاد آور جنایت این نظام ضد کارگری در اوایل انقلاب ۵۷ و سرکوب خونین کارگران نفت و دیگر نقاط کشور نیز هست. وزیرکار "ملی گرا"ی خمینی در آندوره، که بعدا خودشان سلاحش کردند، در خطاب به کارگران معترض گفته بود: آن کارگری که به من بگوید "تو!" باید حقم را بدهید، از... تا... هنوز متولد نشده است!"

این نوع تعرضات را، که ناشی از ترس و وحشت رژیم اسلامی از طبقه کارگر میباشد، باید از جانب جامعه و طبقه کارگر پاسخ شایسته بگیرد. به میدان آمدن شهروندان و صف آزادیخواهان در دفاع از فعالین بازداشت شده و پای فشاری بر آزادی بدون قید و شرط آنها وظیفه هر کسی است که برای خلاصی از فقر، گرسنگی، بی حقوقی، نابرابری، سرکوب و رهایی از چنگ نظام ضد انسانی ۴۰ ساله جمهوری اسلامی تلاش میکند. حزب سوسیالیست انقلابی ایران، ضمن محکوم کردن بازداشت جعفر عظیم زاده و پروین محمدی، طبقه کارگر ایران، همه شهروندان آزادیخواه کشور، و تشکلهای و احزاب سیاسی را به تشدید مبارزه برای آزادی این دو فعال و همه دستگیر شدگان فرامیخواند.

زنده باد اتحاد طبقاتی برای آزادی هم طبقه ی
هایمان!

زنده باد سوسیالیسم!

حزب سوسیالیست انقلابی ایران

Iran socialist2017@gmail.com

۱۱ بهمن ۹۷ - ۳۱ ژانویه ۲۰۱۹

**جنایت است بزرگ در راه
حداقل دستمزد**

پیشنهاد افزایش ۲۰ درصدی حقوق
کارگران در سال ۹۸

دولت در بخشنامه بودجه ۹۸ اعلام کرده، حقوق کارگران
در سال آینده متوسط ۲۰ درصد افزایش یابد.



مبارزه، در ضوابط مالی ناظر بر به گزارش خبرنگار اقتصادی
تهیه و تدوین لایحه بودجه سال ۹۸ آمده است: دستگاه های
اجرای ملی و استانی ضریب ریالی افزایش حقوق را به طور
متوسط ۲۰ درصد لحاظ نمایند.

اکنون عرصه حداقل دستمزد فرصت دیگری برای کل طبقه است تا متحدانه و هوشیارانه گام مهمتری بردارد و سال آینده با درد و رنج اقتصادی کمتری راه پر پیچ و خم مبارزه انقلابی و سوسیالیستی خود را طی نماید. یک رکن مهم پیروزی در این مبارزه علاوه بر بسیج کل طبقه و خنثی کردن شگردهای رژیم در پوشش "شورای عالی کار"، پرهیز جدی کارگران از تحلیل ها و پیش بینیهایی سطحی و همواره غلط از آب در آمده و دعوت به ماجراجویی بخشهای از چپ بقایای سال ۵۷، و همزمان پرهیز از دیگر نیروهای دست راستی و حلقه بگوشان امریکا و دیگر دولت‌های مرتجع میباشد. بخشی از آن چپی که با هر طریقه ای به رقص "انقلاب" کردن می افتد، اخیرا مدعی شد: "حکومت اسلامی تنها وزارت اطلاعاتش کار میکند بقیه ارگانهایش از کار افتاده اند!!"، راست هم به جای پنج بار روزانه ده بار نماز میخواند تا خداوندشان به دانشان برسد مثلا در کنفرانس ورشو و یا مناسبت دیگری راهی برای تبدیل مجدد مردم به رعیت، حال با پوشش تخت و تاج و یا لچک بنفش، یا ترکیبی از هر دو، برای خود پیدا کنند. طبقه ای که اینها را بخوبی شناسد و راهش را در همه عرصه های مبارزه از آنها، هم از چپ پوپولیست و هم از راست ملی گرا و مذهبی جدا نکند، آینده ای بجز تداوم بردگی کنونی نخواهد داشت! جنبش حق طلبانه افزایش دستمزد و اصولا مبارزه اقتصادی طبقه کارگر امر آنها نیست و نباید اجازه داد با پروپاگند و تبدیل اولویتهای خود به اولویت جامعه همزمان با جمهوری اسلامی مانع تمرکز فعالیت و پیشروی جنبش کارگری در این عرصه مهم باشند.

در شرایطی که طبقه ما با مرگ و میر بسیار گسترده ناشی از "سوانح کار"، اخراج و بیکار سازیهای وسیع، به گرو گرفتن دستمزد ۶ برابر زیر خط فقر اعلام شده توسط خود نهادهایی رژیم (خط فقر اعلام شده توسط مقامات رژیم ۶ میلیون تومان اعلام شده است) دست و پنجه نرم میکند، در شرایطی که فعالین معترض به این اوضاع وحشیانه سرکوب و پرونده "امنیتی" برایشان درست میکنند، و با توجه به رساتر شدن صدائی اعتراض به این همه اجحافات و اعمال بی حقوقی ها، چنانچه خود رهبران عملی و پیشرو کارگری از تحولات درس گرفته باشند، چنانچه جنبش سوسیالیستی ما از مون بهتری گرفته باشد،

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

بیانیه دستمزد...

می‌توانیم در این برهه بیشتر از هر دوره ای در سروسامان دادن به اتحاد جنبش مان اقدامات عملی را راه اندازی کنیم. بر بستر تحرکات گسترده مربوط به فصل تعیین "حداقل دستمزد سال ۹۸" که خود رژیم و ارگانهایش مدت‌ها است با طرح "افزایش بیست درصدی" آنرا پیش کشیده اند، جنبش میلیونی و عظیمی برای افزایش حداقل دستمزد سال ۹۸، و در این بستر سازماندهی اعتراض و اعتصاب برای آزادی همه فعالین در بند، ممنوع کردن اخراج، حق بیمه بیکاری، برابری زن و مرد، حق تشکل و تحزب کارگری، آزادی فوری بازداشت شدگان و ...

به میدان آمد و با پختگی و آمادگی بیشتر کل مراکز کارگری را به یک هفته تپه و فولاد دیگری تبدیل کرد. نباید اجازه داد پروژه های رژیم ضد کارگری از جمله هیاهوی ۴۰ مین سالگرد حاکمیت "ضد انقلابی شان این امر مهم ده میلیون کارگر و خانواده های آنها را به حاشیه برانند و بتوانند دوباره یکطرفه و بدون مقاومت تصمیمات ضد انسانی و ضد کارگری شان را در و آخر اسفند ماه به طیفه کارگر و به جامعه تحمیل نمایند.

طبقه کارگروزمحتشک جامعه نه تنها گردش چرخ اقتصاد و پول تولید ثروت انبوه کالاها و کلیه تولیدات و دستاوردهای پیشرفته و نیازمندیهای روزمره جامعه را بردوش دارد، نه تنها تامین خدمات و هزینه های کل کشور ناشی از تلاش و دسترنج شبانه روزی او است، که هزینه دشمنان و سرکوبگران خود، از جمله هزینه ماشین گسترده دولتی، ارتش، سپاه، بسیج، پلیس، لباس شخصی، حزب الله قمه کش، خود فروختگان خبرچین، سازمانهای اطلاعاتی و گله آخوند و مساجد و مذهب و تمام ارگانهای مفت خور ایدئولوژیکی و فرهنگی و اداری جمهوری اسلامی و نظام حاکم بورژوازی ایران را نیز تامین میکند، اما همچنانکه همه بر آن واقف هستند، این سازندگان هستی جامعه خود و خانواده شان جزو محرومترین، فقیرترین و سرکوب شده ترین بخش جامعه محسوب میگردند. خود و فرزندان شان در راس لیست قربانیان مرگ و میر، ارتش بیکاران بدون پول و امنیت، کارتون خوابها، گور خوابها، معتادین، بی خانمانها، کودکان کار و خیابانی، کولبران، "بردگان مدرن"، و متملمین غیر انسانی ترین درد و رنج و زندگی پر مشقت قرار دارند. این موقعیت هولناک، بنیاد جنایت آفرینی، تضاد، بحران، کشمکش طبقاتی، وارونگی جامعه سرمایه داری، و چهره کریه و وقاحت جمهوری اسلامی و طبقه حاکمه را نشان میدهد. اما با آگاهی بر واقعیت فوق و ضرورت تعمیق نفرت و آگاهی طبقاتی جنبشمان علیه شرایط موجود، و اعلام مستمر این واقعیت ساده که تا زمانی نظام کار مزدی برقرار است، خبری از خوشبختی و رهایی واقعی کارگر و بشریت نیست، جنبش سوسیالیستی طبقه کارگر به منظور پایان دادن به حاکمیت نظام سرمایه داری، نه "اصلاح درونی طبقه حاکمه" و دولت، به مثابه پیگیرترین بخش جنبش طبقاتی بر تحمیل رادیکالترین و گسترده ترین "اصلاحات" به نفع طبقه خود و وادار کردن دشمن طبقاتی و دولت به عقب نشینی تاکید میکند.

همچنانکه اشاره گردید، به دلیل فضای سیاسی کنونی کشور و اعتراضات گسترده جاری، برای تحمیل مطالبه افزایش دستمزد خود و همچنین تلاش برای اتحاد و همبستگی طبقاتی کارگران علیه دولت و سرمایه داران درجه بهتری برای رهبران عملی و سوسیالیست طبقه و کل کارگران بازتر شده است. از این جهت کلیه نهادها و تشکلهای کارگری، معلمین، بازنشستگان، کارکنان مراکز درمانی و خدماتی و از جمله طبقه کارگر در مراکز کلیدی و صنعتی کشور را دعوت میکنیم تا بطور متحد حول افزایش دستمزد به میزان حداقل ۶ برابر حداقل دستمزد کنونی، (۶-۷ میلیون تومان) همفکری نمایند و چون تن



تصور نمود: تا مردم مردم در فقر غرق شده اند! ۱۱ میلیون تومان، نرخ خط فقر در نیمه سال ۹۸ است. سوسیالیست: همگسوسیالیستهای جنبش سوزان اسلام گمده در یک سال اخیر هر طایفه در کشور ۱۲ درصد به ۱۰ درصد افزایش یافته است و نرخ خط فقر به نزدیک ۶ میلیون تومان رسیده است.

واحد علیه نظام فاسد و استثمارگر به میدان بیایند. پیشنهاد میکنیم در اوایل اسفند ماه متحدانه یک یا چند روز مشخصی را به عنوان روز، یا روزهای، اعتراض و اعتصاب سراسری اعلام نمایند. حکومتی که از راه زدبیدن دستمزد و استثمار و سرکوب کارگران و صف از ادیخواهان توانسته بطور سر سام آوری بودجه زیادی را برای سال ۹۸ دستگاهی سرکوب و خرافه مذهبی اختصاص دهد، نظامی که رئیس بانک مرکزی آن از "دها میلیارد دلار سرمایه گزاری خارجی" و مقام دولتی دیگر از "ناپدید شدن ۳ میلیارد و نیم دلار" دیگر در همین ماه خبر میدهند، نظامی که هر روز موشک هوا میکند و در چندین کشور هزینه های سر سام آور تروریستها را تامین میکند، حکومتی که تک تک سران و عواملش به "اختلاس های میلیاردی" و زردان قانونی، و "برادران قاچاقچی" و نمونههای بیشمار دیگر که از زبان خودشان افشا میگرد، نباید بتواند به بهانه اینکه "تحریم اقتصادی هستیم"، پول نداریم، بودجه نداریم، و یا با چانه زدن حول سیستم تحقیر آمیز "پارانه" مردم فریبی کنند و جمعیت ۶۰-۷۰ میلیونی را به زندگی زیر خط فقر همچنان محکوم و راضی نگهدارند و ساکت کند، دستمزد کارگران را ندهد، و امسال از دادن کمترین حق یعنی حداقل دستمزد ۶-۷ میلیون تومان برای سال ۹۸ کارگران خود داری نمایند. طبقه ما، اگر به عنوان یک طبقه عمل کند، حتی بخشی موثری از آن متحدانه به میدان بیاید این زردان و جانپان نمیتوانند بیش از این شرافتمندترین انسانهای آن جامعه را به این شکل گرسنه نگهدارند، سرکوب و زندان شان کنند و از این طریق راه بقا و ادامه حیاط کثیف و ظالمانه خود را تضمین کنند.

توجه طبقه کارگر و فعالین پیشرو و سوسیالیست را به محورهای ضروری و متحد کننده زیر حول مبارزه برای افزایش "حداقل دستمزد سال ۹۸"، جلب مینماییم:

- ۱- مبارزه برای افزایش دستمزد باید شامل همه کارگران اعم از "خارجی" و یا "بومی" باشد.
- ۲- مبارزه برای افزایش دستمزد جدا از مبارزه همزمان برای آزادی بدون قید و شرط تشکل و تحزب کارگران و حق اعتراض و اعتصاب و انتخاب نمایندگان مستقیم کارگری در مراکز مختلف نیست!
- ۳- تعیین حداقل دستمزد تنها در صلاحیت نمایندگان کارگران است.
- ۴- خانه کارگر، شوراهای اسلامی، انجمنهای صنفی و شوراهای عالی کار نهادهای دولتی و ضد کارگری اند، و هر نوع تصمیم شورایی کار به عنوان یک نهاد دولتی برای طبقه کارگر ایران فاقد اعتبار است.
- ۵- مزد برابر برای زنان و مردن در ازاء کار مشابه ۶- ورود و دخالت نیروی نظامی و انتظامی به محل اعتراض و اعتصاب کارگران در محل کار بعنوان اقدام مجرمانه محسوب گردد.
- ۷- ممنوعیت اخراج، پرداخت کامل آخرین حقوق دریافتی به کارگرانی که بنگاه آنها تعطیل میشود تا مقطع اشتغال به شغل جدید.
- ۸- موظف شدن دولت به پیدا کردن مشاغل مشابه برای کارگرانی که به دلیل تعطیلی بنگاه ها بیکار میشوند.
- ۹- بیمه بیکاری مکفی برای همه افراد آماده به کار بالای ۱۶ سال بر مبنای آخرین حقوق دریافتی ۱۰- پرداخت بیمه بیکاری مکفی و سایر هزینه های ضروری به کلیه کسانی که بعلل جسمی یا روانی توان اشتغال به کار ندارند.
- ۱۱- بیمه کامل کارگران در مقابل صدمات و خسارات ناشی از کار، اعم از اینکه در محیط کار و یا خارج آن رخ داده باشد.
- ۱۲- پرداخت- حقوق کامل بازنشستگی به کارگرانی که در نتیجه صدمات ناشی از کار توانایی کار کردن را از دست میدهند.
- ۱۳- آزادی فوری همه کارگران بازداشتی و محکوم کردن اقدام شنیع و فاشیستی "اعتراف گیری" زیر شکنجه.

در جامعه ای که سازندگان جامعه، کارگران، وانسانهای زحمتکش و شرافتمند، بجای احترام و امنیت و رفاه، همواره گرسنگی، فقر، بی حقوقی، بی مسکنی، سرکوب، زندان، توهین، نبود آزادی و حق تشکل و تحزب، و کودکان کار و خیابانی و اعتیاد و... را تجربه میکنند، آن جامعه یک جامعه بیمار، و آن نظام، یک نظام مستبد و فاشیست سرمایه داری است، که بجز زیرو رو کردنش هیچ راه دیگری وجود ندارد! زنده باد اتحاد و همبستگی طبقاتی کارگران!

زنده باد آزادی، زنده باد برابری، زنده باد سوسیالیسم!
 حزب سوسیالیست انقلابی ایران
 iransocialist@gmail.com
 ۶ بهمن ۱۳۹۷- ۲۶ ژانویه ۲۰۱۹

نه به تحریم اقتصادی، نه به امریکا، نه به جمهوری اسلامی!



تلاش
برای به
قدرت
رسیدن
از راه
جنگ و
کشتار و
یا

"انقلابات" رنگی و مخملی، و اتکا به تحریم اقتصادی و دخالت "مثبت" آمریکا و دیگر قدرتهای بورژوازی، امید بستن به کنفرانس ورشو در تحولات ایران، و غیره دوری و یک سکه هستند. بجز آزادی و برابری و سوسیالیسم، هر ارتجاعی از این راهها میتواند به قدرت برساند.

بحران ونزولا راه حل انقلابی و پاسخ سوسیالیستی میطلبد!، اهم این اقدامات و پاسخها عبارتند از: ۱- شکل دادن فوری به یک قطب سوم سوسیالیستی و انقلابی از راه ایجاد و اعلام حزب یا احزاب نوین کارگری و سوسیالیستی مدعی قدرت (ایجاد شورای رهبری موقت و واحد انقلابی)، ۲- به کنترل در آوردن همه مراکز کارگری از راه ایجاد تشکلهای شورائی و سراسری کارگری مستقل از بورژوازی، ۳- اعلام مخالفت کامل با سیاست تحریم اقتصادی و دخالت آمریکا و هر دولت دیگری در تحولات کشور، ۴- اعلام پلاتفرم سیاسی/اقتصادی پیشرو و سوسیالیستی و عملی کردن فوری عمیقترین اصلاحات اقتصادی و سیاسی و فعالیت بدون قید و شرط سیاسی در کشور به نفع کارگران و زحمتکشان و اکثریت شهروندان، ۵- اعلام ضرورت کناره گیری مسالمت آمیز دولت کنونی و همچنین "رئیس جمهور" اپوزسیون دست ساخت آمریکا از قدرت و سپردن سرنوشت جامعه به دست قطب سوم جدید (شورای رهبری موقت قطب سوم)

۶- اعلام فوری انتخابات کاملاً آزاد بدون فشار و ارعاب و دخالت قدرتهای خارج و نیروی نظامی، تضمین آزادی کامل شهروندان و اختصاص دادن همه امکانات اقتصادی و مدیائی برابر برای کارگران و آزادیخواهان از جمله قطب سوم در پروسه انتخابات. دست آمریکا از ونزولا کوتاه! بحران ونزولا پاسخ سوسیالیستی می طلبد!

مرگ بر سرمایه داری!

زنده باد سوسیالیسم!

حزب سوسیالیست انقلابی ایران

Iransocialist2017@gmail.com

۹ بهمن ۱۳۹۷-۲۹ ژانویه ۲۰۱۹

دست امریکا از ونزولا کوتاه! بحران ونزولا پاسخ سوسیالیستی می طلبد!

نابرابری و بردگی مزدی وجود داشته باشد، پرچم سرخ کارگری و سوسیالیسم بر فراز کل کشور و همه سیاستهایش ناظر نگردد، آن کشور سوسیالیستی نیست! اما این حقیقتها سر سوزنی دال بر "بهتر" بودن سیاستهای امریکا هم نیست! برعکس، سیستم بورژوازی امریکائی و دولتهای مورد حمایت امریکا از ضدیتشان با انسانیت و طبقه کارگر بسیار ارتجاعی و افسارگسیخته تر از سیستم سرمایه داری جاری در ونزولا است. زندگی کنونی شهروندان ونزولائی هر چند قابل قبول نیست و باید به نفع طبقه کارگر و آزادی عوض گردد، اما هنوز هم دهها برابر بهتر از روزی خواهد بود که سیستم بازار آزاد ترامپ و افسار سرمایه داران تماماً در آن کشور رها گردد! بخاطر شرایط حاکم کنونی در ونزولا دولت امریکا نباید بتواند سیاستهای به مراتب ضد انسانی تر و چهره ریاکارانه خود را پنهان نماید. نباید بتواند با عوامفریبی خود و همپیمانانش در ونزولا را پیام آور زندگی بهتر برای شهروندان قلمداد کند، دولتی که از راه تحریم اقتصادی مردم یک کشور را به فقر میکشاند حق ندارد ادعا کند که به "مردم" همان مملکت کمک میکند! دولت امریکا در عین حال از کانال این دخالتهای مودیانه و به گرسنه و بحران کشاندن شهروندان ونزولائی جدال خود را با روسیه و چین دارد دنبال میکند، همچنانکه در سوریه و اوکراین و غیره چنین کردند! اما هر دو سوی این جدال ارتجاعی و بورژوازی اند، و نفعی برای بشریت آزادیخواه نداشته و ندارد!

حزب سوسیالیست انقلابی سیاست دخالت دولت امریکا را در برخورد به رویدادهای ونزولا را قویاً محکوم می کند! آنرا نه در جهت منافع "مردم"، که علیه منافع کارگران و شهروندان، و در خدمت به قدرت رساندن یک اپوزسیون دست راستی ارزیابی میکند. آن بخش از اپوزسیون راست و چپ ایرانی که در این رویداد تحت عنوان "انقلاب"، "حضور میلیونی" و... (همان توصیفات که مثلاً در جنبش سبز، نماز جمعه و مرگ رفسنجائی، و اخیراً هم بخشاً در "انقلاب دیماه" و...) به دلیل عشق یکطرفه و پوپولیستی که "به مردم" و "تودها" دارند، به حامی چنین تحولات دست راستی تبدیل میگردند تا از آن به عنوان الگوی به منظور شکستن کمربند و سوسیالیسم در ایران استفاده نمایند، ضروری است افشا کردند.

بحرانی که اکنون کشور ونزولا را فرا گرفته است ریشه در یک کشمکش و تناقض سیاسی، اقتصادی و ایدئولوژیکی تاریخی دارد. جدال و کشمکش بین بورژوازی عریان و دست راستی با پرچم دمکراسی، و چپ جناح بورژوازی در پوشش "سوسیالیسم". ونزولائی صاحب ثروت عظیم نفت و گاز "ضد امپریالیست امریکا"، برای امریکا، و آنهم برای دولت ناسیونال-فاشیست حاکم ترامپ، که ارتجاع ملی گرانی توأم با اقتصاد و ثروت و سود سرمایه داری افسار گسیخته مینا و منشا دمکراسی اش است، ادامه چنین شرایطی در ونزولا قابل تحمل نبود. هیئت حاکمه امریکا، بعد از یک دوره طولانی اعمال سیاست جنایتکارانه تحریم اقتصادی و به گرسنه کشاندن شهروندان آن کشور، بعد از تعمیق تر شدن بحران اقتصادی-سیاسی در ونزولا و ناتوانی در دادن پاسخ درست به آن از جانب دولت کنونی ونزولا، راه برای دخالتهای ارتجاعی خود را هموارتر دید. از روش کانگستریسم بلوکه کردن اموال در کشورهای دیگر تا خط باطل کشاندن به روی پدیده ای به اسم "انتخابات" و از بالای سر مردم یک کشور راسا اعلام "رئیس جمهور" کردن، گواه بر پوچی و ضد انقلابی بودن راهی است که این دولتهای دمکراسی طلب جلو جامعه گذاشته است. در هر صورت منفعت "مردم" مطلقاً هدف نیست، دولت امریکا و وزیر خارجه اش دروغ میگویند!، کنار زدن یک قدرت "ضد امپریالیست امریکا" به اسم چپ، که گویا "پولها را به فقرا می دهد تا رای هایشان را بگیرند"، و دسترسی کامل به رونمای دیرینه بدست آوردن اقتصاد یک کشور مملو از ذخایر نفت و گاز با به قدرت رساندن یک جریان دست راستی هدف است.

تردید نیست که ونزولا یک کشور سوسیالیستی نه تنها نیست بلکه بخشی از شرایط کنونی را ناشی از سیاستهای غلط و ضد سوسیالیستی دولت ونزولا در پوشش نامربوط "سوسیالیسم" باید مورد توجه قرار داد. دولت تالکونئی ونزولا، با هر ادعا و تفاوتی که داشته اما به شکل دیگری نظام فاسد سرمایه داری را در قالب "خصوصی سازی" نمایندگی و حفظ کرده است. یک کشور با داشتن این همه ثروت نفت و گاز نمیتواند و نباید یک روز شاهد فقر و گرسنگی و این سطح از وجود تضاد و تفاوت طبقاتی باشد! هر جای فقر و

آزادی، برابری، رفاه، امنیت!

معضلات واقعی پناهندگی...

بی حرمتی و تجاوز جنسی به کودکان و زنان و حتی مردان خبر داده نشود. بانی این شرایط سازمان مللی است که از سوی دولتهای عضو در آن مجمع وحشیانه زندگی و کاشانه را بر سر شهروندان ویران میکنند و حمام خون راه می اندازند، و از سوی دیگری کسانی که فرار میکنند و پناهنده و آواره میشوند از جانب همین نماینده دولتها به اسم "سازمان ملل" به این شکلی که اشاره گردید از آنها استقبال می نمایند. این نهاد سرمایه دارید و جامعه سرمایه داری شرم نمیکنند که از حق و حقوق انسانها نیز حرف می زنند!

اخیرا کشور هلند، به حدود ۶۰۰ کودک و خانوادهايشان اجازه دادند، پس از سال ها تلاش برای دریافت پناهندگی، در هلند ماندگارباشند. این اقدام حرکت بسیار مثبت و انسانی است و ضروری است تمام کشورهای پناهنده پذیرهمین سیاست را دنبال کنند. اما کشور نروژ، بعد از سال ها دعوی سیاسی احزاب راست و چپ، که امروز راست ها حکومت را در دست دارند و سرنوشت انسان ها در این کشور در دست آنهاست، تصمیم گرفته اند که از کمپ های پناهندگی کشورهای دیگر ۳۰۰۰ پناهنده که بودوا آنها را کنترل و با در نظر گرفتن منفعت اقتصادی خود تعدادی را دسته چین میکنند و توجه ای به بقیه پناهندگان و کودکان و سالمندان و آسیب دیدگان جسمی در جنگها ندارد. کشور نروژ سالیانه بیشتر از ۲ میلیارد کرون نروژی به مرزبانان اروپا پرداخت می کنند که جلوی هجوم پناهندگان را بگیرند. شرم بر دولت های اروپائی با وجود این همه ثروت و امکانات رفاهی، مرزهایشان را بروی انسان های نیازمند بسته اند. نابود باد جامعه کاپیتالیستی!

[فرم ویژه درخواست عضویت در حزب سوسیالیست انقلابی ایران]

نام :

نام خانوادگی :

محل سکونت :

شغل :

علل پیوستن به حزب :

سابقه فعالیت سیاسی :

در چه زمینه ای علاقمند به فعالیت هستید؟

آیا کسی را در صفوف حزب می شناسید؟

تلفن :

ای میل :

اینجانب با قبول برنامه، اساسنامه، سیاست و اهداف حزب سوسیالیست انقلابی ایران، از حزب درخواست عضویت می نمایم. متعهد میشوم که منظمًا به حزب حق عضویت پرداخت نموده و در راستای پیشبرد اهداف حزب بطور متشکل به فعالیت خود ادامه بدهم. به حراست از امنیت و موازین و پرنسیپهای حزب متعهد بوده، و اعلام میکنم که در جهت سیاستهای حزب برای سرنگونی نظام سرمایه داری جمهوری اسلامی و دستیابی به یک جامعه سوسیالیستی، آزاد، برابر و مرفه با تمام توان تلاش و مبارزه نمایم.

تاریخ...

امضا...

iransocialist2017@gmail.com

آدرس مایل ارسال
درخواست عضویت

www.simroz.org

"... چشم انداز حزب ما برای وقوع یک انقلاب دیگر، دوباره تاکید کنیم منظور یک انقلاب انقلابی متعلق به کارگران و مردم تشنه آزادی و برابری و رفاه و امنیت، و به هدف استقرار نظام سوسیالیستی، تماما در گرو درس گرفتن جدی ما از انقلاب ۵۷، در گرو عروج متشکل و متحزب طبقه کارگر، در گرو تبدیل شدن احزاب مانند حزب سوسیالیست انقلابی به عنوان یک حزب سیاسی بزرگ تودی ای-کارگری و آماده برای نبرد جدی سیاسی، اقتصادی و نظامی با جمهوری اسلامی و کلیت نیروهای راست ملی و اسلامی که دست به اسلحه دارند و میتوانند در تند و پیچ سیاسی پیش رو با حمایت امثال امریکا و دیگر جنایتکاران امنیت و آرامش جامعه را به هم بزنند، در گرو تدارک همه ملزومات ضروری و فوری سرنگونی جمهوری اسلامی است!

ما معتقد هستیم بدون وجود چنین آمادگی هر شکلی از سرنگونی یا انقلاب، علیه جمهوری اسلامی، حتی به وقوع هم ببینند، در بهترین حالت ممکن کارگر و زنان و جوان مبارز و سوسیالیستها و کمونیستهای انقلابی همان چیزی بدست خواهند آورد که سال ۵۷ تا کنون بدست آورده است. ما یک نیروی واقع بین هستیم، از هیاهو و پوپولیسم بازی، دنباله روی از "مردم" و جنجال و خود فریبی خوشمان نمی آید. فکر میکنیم برای پیروزی قطعی کامل بر جمهوری اسلامی و دست یافتن به آزادی و سوسیالیسم باید هزاران بار بیشتر از موفقیت کنونی از هر نظر آماده تر شد!..." (سلام زیجی)

بر قرار باد جمهوری سوسیالیستی!

معضلات واقعی پناهندگی و قوانین روی کاغذ سازمان ملل!

عزیز عبدالله پور



های مختلف و کشتار های دسته جمعی کودکان و خانواده هایشان دست دارند، و هیچ مرزی را برای جلوگیری از بدست آوردن سود بیشتر نمی شناسند.

علاوه بر ده ها و صدها هزار نفر کشته در جنگ مافیای سرمایه داری در سوریه، افغانستان، یمن، عراق، اریتریا، سومالی و غیره که کشته شده اند و ده ها میلیون دیگر که آسیب دیده اند، بنا به آمار جهانی سازمان ملل بیشتر از ۶۰ میلیون انسان پناهنده و آواره جنگی هم اکنون در جهان وجود دارد که فاقد حداقلهای یک زندگی انسانی هستند.

"سیسیل یونیلی" پیشنهاد افزایش کارکنان بیشتر امنیتی را در کمپ ها می کند، که او البته نیت خوبی دارد، اما اکثریت این زنان بدست همین کارکنان امنیتی مورد تجاوز جنسی قرار میگیرند، و او ظاهرا برای "حفاظت از زنان پیشنهاد می کند که محل زندگی زنان و مردان را از هم جدا کند! که شاید بتوان از تجاوز جنسی به زنان جلوگیری بشود. جدا سازی جنسیتی اقدامی قرون وسطی و نوع دیگری از تجاوز به حقوق انسانی زنان است نه کمک به زنان! راه پایان دادن به این شرایط اجازه دادن به ورود همه آن پناهندگان به اجتماع و شروع زندگی امن و در شان انسان است نه افزایش پرسنل امنیتی و جدا سازیهای جنسیتی!

این مشکلات که اشاره گردید تمرکز دارد روی فقط دو کمپ کوچک در کشور یونان، حال آنکه صدها کمپ پناهندگی در کشورهای آفریقای، لاتین آمریکا، استرالیا، آسیا و اروپا را در نظر بگیریم که یک روز نیست که از بی حقوقی،

وضعیت زندگی در یونان سخن می گویند. این زنان از جنگ، آزار و اذیت و سوء استفاده جنسی فرار کرده اند. ۲۸،۱۱،۲۰۱۸ سیسیل یونیلی، می گوید که حکومت باید اقدامات بیشتری برای امن نگه داشتن مهاجران انجام دهد. او می گوید که به عنوان مثال نور افشانی بیستری در طول شب افزایش پرسونل امنیتی، جدا سازی مکان های شستشو و اقامت مردان و زنان می تواند تغییر بزرگی در کاهش تجاوز کند. های جنسی در این کمپ ها ایجاد در حال حاضر، حدود ۵۵۰۰ نفر در دو کمپ موری و واتی زندگی می کنند که این شمار در واقع دو برابر ظرفیت این کمپ هاست.

"طبق معاهده ای که در سال ۲۰۱۶ بین اتحادیه اروپا و ترکیه امضاء شد، پناجویانی که از ترکیه به جزایر یونان می رسند باید در کمپ های این جزایر بمانند تا دوسیه آنها بررسی شود اگر دوسیه آنها رد شود، این پناجویان دوباره به ترکیه فرستاده می شوند."

"یک روزنامه آلمانی به نقل از گزارش محرمانه کمیسیون اتحادیه اروپا نوشته که در سال ۲۰۱۸ شمار مجموعی مهاجرین جدید از ترکیه، ۵۰ هزار ۷۸۹ نفر بوده است.

حالا به وضعیت زندگی این پناجویان سیاسی و آوارگان جنگی کمی بیشتر بنگریم. این پناهندگان چادر ندارند و بعضی وقت ها حتی یک کیسه خواب هم ندارند. بچه هایشان از مدرسه و تحصیل محرومند. این پناهندگان دسترسی به بیمارستان عادی ندارند، و فقط در کمپ ها کمک درمانی میگیرند. این پناهندگان حتی برای خریدن مواد غذایی مورد احتیاج نمی توانند کمپ ها را ترک کنند، آنها در اصل در این کمپ ها زندانی هستند و هیچ حق و حقوق انسانی، از جمله از همان حق و حقوقی که "کمیساریای عالی سازمان ملل" روی کاغذ نوشته و ادعا کرده اند، بهرمنند نیستند. دولت های آن ۱۴۸ کشوری که "قانون مادر" را امضاء کردند اکثریتشان در جنگ

"کنواسیون آوارگان ۱۹۵۱ ژنیو و پروتوکل ۱۹۶۷ آن، - قانون مادر - در امور پناجویان خوانده می شود ۱۴۸ کشور این کنواسیون و پروتوکل یا حداقل یکی از دو را پذیرفته و آن را امضاء کرده اند"

برخی از حقوق اولیه آوارگان/ -حق اخراج نشدن، به استثناء شرایطی خاص و قاطع (ماده ۳۲)

حق مجازات نشدن به خاطر ورود غیره قانونی به کشورهای امضاء کننده کنواسیون (ماده ۳۱)

حق کار (ماده ۱۷ تا ۱۹)

حق سرپناه (ماده ۲۱)

حق تحصیل (ماده ۲۲)

حق استفاده از امکانات و کمک های عمومی (ماده ۲۳)

حق آزادی دین (ماده ۴)

حق دسترسی به محکمه (ماده ۱۶)

حق جابجایی آزادانه در قلمرو کشور میزبان (ماده ۲۶)

حق داشتن مدارک هویت و اسناد سفر (مواد ۲۷ و ۲۸)

"آوارگان باید قوانین و مقررات کشور میزبان را رعایت کنند و به اقداماتی که برای حفظ نظم عمومی انجام می شود، احترام بگذارند."

اول از همه چیز باید به یکی از سخنگویان کمیساریای عالی آوارگان (UNHCR)

توجه کنیم که گزارشی را منتشر کرد که حدود ۱۸۰ زن طی سال ۲۰۱۷ از خشونت جنسی و جنسیتی در یونان رنج می برند.

سیسیل یونیلی، سخنگوی کمیساریای عالی آوارگان می گوید که شمار واقعی مربوط به خشونت جنسی بسیار از رقم رسمی است چرا که بسیاری از قربانیان از گزارش دادن آن به مقامات هراس دارند. "دویچه وله با شماری از زنان ساکن در کمپ های پناجویان در یونان صحبت کرده است.

آن ها از جریان فرار ، دلیل آوارگی و

منشاء و جامعه شناسی تاریخی خانواده

جلال ش

نیست و از شرایط پایین تر به بالاتر ارتقاء مییابد ولی سیستم هم خونی منفعل است. اسپاناس (جوامع حیوانی ۱۸۷۷)، در میان پستانداران، ارتباط قطعی بین زوج که از تکامل تفکر و شکل رابطه جنسی باشد وجود ندارد و گله عالیترین گروه اجتماعی قابل مشاهده در میان حیوانات است از خانواده تشکیل شده ولی بین خانواده و گله تناقض وجود دارد و با نسبت معکوس در حال تکامل اند.

برای گذار و تحول از مرحله حیوانیت یک عامل ضروری است، جایگزینی نیروی ناکافی دفاع توسط نیروی متحد و کوشش مشترک گله

شرایط اولیه روابط جنسی مختلط شامل دوره های ذیل است،
۱. خانواده همخون ۲. خانواده پانالوایی ۳. خانواده یارگیر.

۴. خانواده تک همسری
خانواده همخون. اولین مرحله خانواده است و همه خواهر و برادر و شوهر و زنان یکدیگرند.

خانواده پانالوایی (همراه شریک) محروم کردن والدین و فرزندان از روابط جنسی و محروم کردن برادر و خواهر از روابط. شکل خانواده کلاسیک در این دوره است عالیترین مرحله تکامل خانواده همخون است که بر اساس انتخاب طبیعی صورت گرفته است.

۳. خانواده یارگیر. ویژه دوره بربریت است یک مرد با یک زن زندگی میکنند درحین چند همسری که بنیان مادی تفوق و برتری زن است.

فدیه. زن به واسطه آن آزادی خویش را از جماعت شوهران کهن باز میخرد و حق خود را تنها با یک مرد به دست میآورد و تسلیم محدود یا به تسلیم واحد میرسد.

۴. تک همسری. متکی بر برتری و تفوق مرد است باهدف تولید مثل و وارث ارثیه به عنوان یک وظیفه نسبت به خدایان، حداقل وظایف زناشویی و اولین شکل خانواده نه بر اساس شرایط طبیعی بلکه شرایط اقتصادی است یعنی غلبه مالکیت خصوصی بر مالکیت اشتراکی اولیه.

مارکس و انگلس. اولین تقسیم کار بین زن و مرد به خاطر تولید مثل است و هر پیشرفت تاریخی بایک پسرقت نسبی همراه بوده، است و ازدواج بنا به ملاحظات اقتصادی و میزان دارایی ارزش گذاری میشود.

منابع: کتاب منشاء خانواده مالکیت خصوصی و دولت فریدریش انگلس
ترجمه خسرو پارسا

بعد از ۴۰ سال تجربه شکست و تحمل زندگی بردگی زیر سایه حاکمیت سیاه جمهوری اسلامی، اکنون برای ممانعت از تکرار یک شکست بزرگ دیگر، برای به پیروزی رساندن جنبش آزادیخواهی و برابری و دست یافتن به یک نظام آزاد و برابر و سوسیالیستی، راهی بجز تامین صف مستقل طبقاتی جنبشمان، پیوستن به حزب سوسیالیست انقلابی، انتخاب سیاستهای آن، ایجاد احزاب مشابه، و همچنین در پیش گرفتن یک سیاست اصولی تر و مستقل تر کارگری - سوسیالیستی از جانب دیگر نیروهای چپ اپوزسیون، پیش روی طبقه کارگر و جامعه قرار ندارد!

کتاب جامعه شناسی تاریخی خانواده مارتین سالن ترجمه حمید الیاسی
تعریف سازمان ملل در سال 1944 از خانواده: خانواده به گروه دو یا چند اطلاق می شود که باهم زندگی میکنند و درآمد مشترک برای غذا و دیگر ضروریات زندگی دارند و از طریق خون، فرزند خواندگی یا ازدواج باهم نسبت دارند.

سرآمدان پژوهش های تاریخی. باکلوفن، مورگان، مک لنان، اسپیناس، انگلس، مارکس، ...

تاریخ خانواده از سال 1861 با کتاب حق مادری از با کوفن آغاز شد. شامل احکام ۱. اختلالات جنسی ۲. اصل و نسبت بنا به حق مادری ۳. دوره زن سالاری ۴. گذار به تک همسری

تحول از هتاریسم به تک همسری و از حق همسری و از حق مادری به حق مادری به حق پدری در میان یونانیان و در نتیجه عقاید مذهبی و پیدایش خدایان جدید و بینش جدید روی داد و دومی جای اولی را گرفت.

مک لنان (بنیان گذار تاریخ خانواده) 1865 دو گروه را معرفی میکند

۱. برون همسر، مردان. زنان خودوزنان شوهران خود را از خارج از گروه انتخاب میکنند.

۲. درون همسر. مردان یک گروه معین مجبورند که زنان خود را فقط از درون گروه انتخاب کنند.

سه نوع ازدواج. ۱. چند همسری ۲. چند شوهری ۳. تک همسری وجود دارد.

لویس مورگان، پدر انسان شناسی، هر مرحله از زندگی تاریخی بشر بایک اختراع فنی آغاز شده است و با توسعه در دین، خانواده، و سازمان های سیاسی و نظام مالکیت همراه بوده است و از دو نظریه تحول داروین (زیست شناسی)،

ارزش افزوده مارکس (اقتصاد سیاسی) برای طرح تاریخی خانواده استفاده کرد.

تیره، حق مادری، ستون قائمی شد که کل علم بر محور آن می چرخد و تیره پدری از تکامل شکل بدوی آن به وجود آمد.

(سه مرحله تحویل حیات از نظر مورگان)
۱. توحش، ۲. بربریت، ۳. تمدن

هر دوره بر اساس پیشرفت در تولید و وسایل معاش به مراحل پائینی، میانی، بالایی تقسیم شده است، توحش دوره کودکی بشر است از میوه و دانه گیاه. مرحله میانی. کشف آتش و ابزارهای صیقل نیافته. مرحله بالایی یادگیری شکار و ابزارهای پیچیده تر

۲. بربریت. دوره پایین سفالگری، دام پروری و کشت گیاه. دوره میانی کشت با آبیاری و استفاده از خشت. مرحله بالایی نوب و تصفیه سنگ آهن، اختراع نوشتار و الفبا و رسیدن به مرحله تمدن

خانواده. مورگان معتقد است خانواده یک اصل فعال است، ایستا

نه شاه نه شیخ!، نه قومی نه مذهبی! مرگ بر جمهوری اسلامی!

نه به جمهوری اسلامی!، نه به فدرالیسم!، زنده باد سوسیالیسم!

"نباید اجازه داد بخاطر خلاصی از لجن کثیف اسلام و جمهوری اسلامی به لجن کثیف ملی گرایانه فدرالیستها و شونیستها افتاد، نباید اجازه داد مردم آزادیخواه ایران که قریب به چهل سال است علیه یک حکومت فاشیست اسلامی مبارزه میکنند تا به آزادی و برابری واقعی نائل گردند، آن بخش عظیمی از مردم آزادیخواه که خرافه دینی و ملی گرای نتوانسته مانع اتحاد و شور مبارزاتی آنها گردد، و در ابعاد میلیونی نه تنها زندگی مشترک و خانوادگی در اقص نقاط کشور دارند، که زندگی مبارزاتی- سیاسی و منافع مشترک آنها علیه دو حکومت پهلوی و اسلامی به هویت آزادیخواهانه آنها تبدیل شده است، آنها بعد از این همه تجربه منفی و ضد انسانی در منطقه به این سادگی به این تاریخ مبارزاتی مشترک خود پشت کنند و به طرح ارتجاعی و خونین و نفرت آور فدرالیسم روی آورند و علیه هممنوعان خود نفرت و تفرق و جایگزین همسرنوشتی تا کنونی خود نمایند. اگر طبقه کارگر و راه حل سوسیالیستی ما و جنبش آزادیخواهانه به خطر شیوع این سموم به درستی پی نبرد، اگر نیروهای طرفدار فدرالیسم طرد و منزوی تر نکنیم، اگر با قدرت خود را برای مقابله با آن آماده نمائیم، چنین خطری، که جمهوری اسلامی نیز یک پایه ثابت آن خواهد بود، میتوانند به جامعه ما تحمیل شود و جنگ و خونریزی و سناریو سیاه بی پایانی را به ما تحمیل نمایند.

در فدرالیسم استثمار و سرکوب طبقه کارگر، ستم بر زن، نبود آزادیهای بدون قید و شرط سیاسی، فقر و بیکاری و دهها ستم و نابرابری که در نظامهای سرمایه داری از جمله در حکومتهای مانند جمهوری اسلامی اعمال شده است نه تنها با برجا خواهد بود بلکه به عنوان ستم مضاعف هم از سوی دولت مرکزی و هم "حکومت فدرال" در محل علیه شهروندان اعمال خواهد شد. خواست های روزمره مردم تحت عنوان "حکومت نو پا فدرال" یا به بهانه کشمکش با حکومت فدرال مرکزی و دعوا بر سر وجب به وجب خاک برای همیشه تداوم خواهد داشت. این آن حساسیت و خطری است که باید آنرا دید و چنین سناریو و طرح ارتجاعی را از هیچ جریان و دولتی نباید پذیرفت و اجازه نداد به جامعه تحمیل کنند. ادعای شراکت همگانی در اداره جامعه و حکومت و این که گویا از راه فدرالیسم "مشکل ملی" و "مشکل اقلیتها"ی جامعه حل خواهد شد دروغهای بزرگ و شاخداری هستند که شیادان سیاسی به منظور رسیدن به مقاصد خود آنرا بخورد طرفداران نامسول چنین سناریویی میدهند.

ما یکبار دیگر همه آزادیخواهان و مبارزین راستین علیه نظام فاشیست جمهوری اسلامی را فرا میخوانیم تنها و تنها برای آزادی و برابری و برای یک جامعه سوسیالیستی و سکولار که در آن کلیه شهروندان مستقل از مذهب و ملیت و نژاد و جنسیت واقعا در همه امور کشور بطور برابر سهمیم بوده و مشارکت داشته باشند تلاش نمایند، از همه میخواهیم آلترناتیو و راحل سوسیالیستی را انتخاب نمایند و به دام ارتجاع شونیستی و ناسیونالیستی نه افتند! از همه میخواهیم با طرح ارتجاعی فدرالیسم و تقسیم جامعه بر مبنای هویتهای ارتجاعی ملی و مذهبی به

مبارزه قاطع برخیزند!" منبع: شماره ۵۳ نشریه سوسیالیسم امروز ۲۶ خرداد ۱۳۹۷ / ۱۶ ژوئن ۲۰۱۸

www.simroz.org Z_zijji@yahoo.se

اخبار و گزارشات مهم کارگری و توده‌ای در هفته‌ای که گذشت!

تهیه و تنظیم: عزیز آجیکند



اعتصاب و تجمع تاکسی داران در بوکان

روز چهارشنبه ۱۰ بهمن ماه، تاکسی داران شهرستان بوکان دست به تجمع اعتراضی زدند.

تاکسی داران با تجمع مقابل اداره تاکسیرانی در اعتراض به کم کاری این اداره و عدم رسیدگی به مشکلات رانندگان دست به اعتصاب کردند.

عدم دریافت حق بیمه صدها هزار کارگران ساختمانی در کشور

بنا به آمار رسمی سازمان تأمین اجتماعی، حدود ۵۰۰ هزار کارگر ساختمانی کشور فاقد حق بیمه میباشند.

مدیر کل نام نویسی و حساب های انفرادی سازمان تأمین اجتماعی در این خصوص اذعان کرد که در سال ۹۶ مبلغ دو هزار و ۴۱ میلیارد تومان حق بیمه کارگران ساختمانی وصول نشده است. وی هم چنین افزود: از ۳۰ درصد حق بیمه کارگران ۳ درصد سهم دولت و ۲۰ درصد آن سهم کارفرما میباشد. بنا به این گزارش تا کنون گرامت دستمزد و هزینه کمک ازدواج به کارگران ساختمانی پرداخت نشده است.

احضار زانیار دباغیان فعال کارگری در سنندج

زانیار دباغیان فعال کارگری در سنندج جهت رسیدگی به پرونده اش به شعبه دوم کیفری ۱۰۲ دادگاه سنندج احضار شده است. این دادگاهی قرار است روز ۲۳ بهمن ماه برگزار شود. زانیار دباغیان به دنبال آخرین دستگیری به مدت ۷۰ روز تحت نامناسب ترین شرایط و شکنجه های روحی و جسمی در سلول های انفرادی محبوس بوده است.

تجمع اعتراضی کارگران پروژه ساخت متروی اهواز

روز چهارشنبه دهم بهمن ماه، جمعی از کارگران پروژه ساخت متروی اهواز در اعتراض به تعویق ۱۸ ماه حقوق خود مقابل ساختمان قطار شهری دست به تجمع زدند. حدود ۲۰۰ نفر از کارگران شاغل که تحت مسئولیت شرکت پیمانکاری کیسون مشغول کارند، از دی ماه گذشته برای چندین بار دست به تجمعات اعتراضی زده اند. کارگران در این تجمع گفتند تا کنون مسئولان قطار شهری و شرکت پیمانکاری کیسون در پرداخت مطالبات آنان هیچ توجهی به نکرده اند.

۷۰ درصد کارگران ایرانی زیر خط فقر مطلق هستند

به گفته فریبرز رئیس دانا از کارشناسان عرصه اقتصادی، حداقل دستمزد کارگران نباید کمتر از ۳ میلیون و ۷۰۰ هزار تومان باشد. با این وجود، حداقل دستمزد کنونی کمتر از یک سوم این پیشنهاد است. البته باید یاد آور شد مقامات حکومتی در مجلس جمهوری اسلامی خط فقر را حدود ۶ میلیون تومان اعلام نموده است. محمد شریعتمداری، وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی ایران، لطفا فرموده اند و اخیر کشف کرده اند! که «حداقل دستمزد کنونی کفاف تأمین معیشت نمی‌کند.»

از میان خیرها

تصادف اتوبوس با ۱۰ خودرو در جاده هراز

عصر پنجشنبه در پی برخورد یک دستگاه اتوبوس در مسیر هراز محدوده شهر رودهن با ۱۰ دستگاه خودرو سواری ۹ نفر مصدوم شدند. برپایه آمار سازمان پزشکی قانونی کشور، در سال ۱۳۹۶، ۱۶ هزار و ۲۰۱ نفر در حوادث رانندگی کشته شدند.

اخبار و گزارشات کارگری این هفته را با بیانیه‌ی صدها نفر از فعالان سیاسی و مدنی برای آزادی فوری اسماعیل بخشی و سپیده قلیان در ایران آغاز میکنیم:

روز دوشنبه هشتم بهمن ماه، بیش از ۸۰۰ نفر با امضای بیانیه‌ای خواهان آزادی اسماعیل بخشی و سپیده قلیان در ایران شدند. امضاکنندگان این بیانیه ضمن ابراز نگرانی شدید نسبت به وضعیت اسماعیل بخشی، فعال کارگری و سپیده قلیان، فعال مدنی، خواهان آزادی هر چه سریعتر آنها شده‌اند. در این خصوص در گزارشی دیگر آمده است که فدراسیون جهانی کارگران حمل و نقل نیز در نامه‌ای به حسن روحانی، ضمن انتقاد شدید از دولت جمهوری اسلامی در مورد پایمال کردن حقوق کارگران در ایران، خواستار آزادی فوری فعالان کارگری که در طی روزهای اخیر بازداشت شده‌اند، شده است.

معوقات مزدی کارگران فولاد زاگرس در کردستان

روز یکشنبه هفتم بهمن ماه، کارگران پیمانکاری فولاد زاگرس در شهرستان قروه استان کردستان از عدم پرداخت معوقات مزدی خود بعد از ۵ سال خبر دادند. حدود ۳۰ نفر از این کارگران از زمان خاتمه کار شرکت پیمانکاری «خوان گل» در سال ۹۱، مطالبات مزدی پرداخت نشده دارند و کارفرمای شرکت پیمانکاری علیرغم گذشت سال‌ها این مطالبات را پرداخت نکرده است و حق و حقوق آنها را به فراموشی سپرده‌است.

علی نجاتی فعال کارگری به دلیل وخامت وضعیت جسمی به مرخصی موقت فرستاده شد

در پی تأیید پزشک معالج علی نجاتی مبنی بر خطرناک بودن نگهداری نامبرده در فضای بسته و تشدید بیماری اش در شرایط زندان، بایستی ابتدا قرار شد که نامبرده به پزشکی قانونی ارجاع داده شود. اما از آنجایی که علی نجاتی قبلاً اعلام کرده بود که با دستبند و پابند در هیچ مرکز پزشکی و یا دادگاهی حاضر نخواهد شد، برای ادامه معالجه پزشکی در خارج از زندان، به مرخصی موقت فرستاده شد. این در حالی است که هنوز وثیقه دویست میلیونی مربوط به حکم قبلی ایشان در اختیار دادگاه است.

بازداشت جعفر عظیم زاده دبیر کل اتحادیه آزاد کارگران ایران و پروین محمدی نائب رئیس اتحادیه آزاد کارگران

عصر روز سه شنبه نهم بهمن ماه، جعفر عظیم زاده دبیر اتحادیه آزاد کارگران بازداشت و به مکان نامعلومی انتقال داده شد. همچنین ساعتی پس از بازداشت جعفر عظیم زاده، مامورین نیروی انتظامی کلانتری ۱۱ فردیس کرج، پروین محمدی، نائب رئیس اتحادیه آزاد کارگران ایران را بازداشت و کلیه وسایل شخصی، لپ تاب و گوشی همراه وی را ضبط کردند.

آخرین اخبار حاکی از آن است که جعفر عظیم زاده به زندان اوین برای تحمل شش سال حبس انتقال داده شده است. و دادسرای فردیس کرج برای پروین محمدی وثیقه سیصد میلیونی صادر کرد.

بهنام ابراهیم زاده علیرغم صدور قرار وثیقه کماکان در بازداشت بسر میبرد

بهنام ابراهیم زاده علیرغم صدور قرار وثیقه برایش بتاریخ ۲۹ دی ماه و آمادگی خانواده اش برای تودیع بدلیل کارشکنی مقامات قضایی، کماکان در بازداشت بسر میبرد.

اخبار کارگری و....

مرگ دانشجوی بوکانی بر اثر
واژگونی سرویس دانشگاه

در پی واژگونی اخیر سرویس دانشگاه آزاد بناب، ۵ نفر در جریان این حادثه مصدوم شده و پس از انتقال به مراکز درمانی مداوا و سپس ترخیص شدند. متأسفانه در این حادثه "دیمن مولود پور" دانشجوی بوکانی رشته مامایی با گذشت یک روز از حادثه، بر اثر شدت جراحات جان خود را از دست داد.

فشار نیروهای اطلاعاتی بر خانواده یک فعال مدنی و سیاسی در مهیاد در تداوم فشار نهادهای امنیتی بر خانواده های شهروندان و فعالان سیاسی و مدنی در مناطق مختلف کردستان، اینبار و در طی یک سال اخیر، اداره اطلاعات مهیاد با بهانه های مختلفی چندین بار متوالی اقدام به فشار و اذیت و آزار خانواده یک فعال مدنی و سیاسی با هویت "نگار مصری" اهل مهیاد کرده است. این فعال مدنی مهیادی بارها از سوی نهادها و ارگانهای امنیتی احضار و مورد تهدید و ارباب قرار گرفته است.

چندین سازمان و رهبران اتحادیه ها و نمایندگان پارلمان دانمارک به
دستگیری اسماعیل بخشی و سپیده قلیان اعتراض کردند!

با تلاشهای گروه ایران در حزب چپ سوسیالیستی (لیست مشترک Red-Green - Alliance) نمایندگان چندین اتحادیه کارگری و سازمانهای چپ و نمایندگان پارلمان خواهان آزادی فوری اسماعیل بخشی، سپیده قلیان و دیگر فعالین کارگری زندانی شدند. تماس با هماهنگ کننده گروه ایران در حزب چپ Red-Green Alliance دانمارک
امیل وطنی Emil Vatani
solidaritetiran@gmail.com

امضای کنندگان نامه

دبیر اول کنفدراسیون اتحادیه های کارگری دانمارک (Bente Sorgenfrey اتحادیه

سراسری دانمارک)

مشاور بین المللی کنفدراسیون اتحادیه های کارگری دانمارک Heidi Rønne

رئیس بخش بین الملل فدراسیون اتحادیه کارگران دانمارک Jesper (3F)

Nielsen بزرگترین اتحادیه کارگری دانمارک با 300 هزار عضو)

نماینده پارلمان از حزب چپ Red-Green Alliance و سخنگوی سیاست خارجی

حزب Eva Flyvholm

نماینده پارلمان از حزب چپ Red-Green Alliance سخنگوی حزب در مسائل

کارگری Finn Sørensen

نماینده پارلمان از حزب چپ Red-Green Alliance و سخنگوی مسائل اتحادیه

اروپا Søren Søndergaard

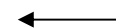
سازمان کارگری حزب چپ Red-Green Alliance

هماهنگ کننده سازمان کارگری حزب چپ Red-Green Alliance Anders Olesen

نایب رئیس اتحادیه مربیان کودک و مددکاران اجتماعی دانمارک، Jan Hoby

سازمان دانشجویان مارکسیست در دانشگاه کپنهاگ و دانشگاه Roskilde

سازمان سوسیالیستهای انقلابی (بخش دانمارک از گرایش مارکسیستی)



کشور ایران، دوبار، دو تجربه، و دو آلترناتیو ارتجاعی را در عرض یکصد سال اخیر تجربه کرده است. هم تاریخ سیستم عقب مانده و سرکوب گر شوینستی- سلطنتی و هم تاریخ عقب مانده تر و قرون وسطی تر و جانی تر از نوع حکومت اسلامی. هر دو تجربه، تجربه مملو از خون و کشتار، و استبداد و جنایت و زندان و شکنجه و اعدام و بی حقوقی و زدن آزادی و برابری و رفاه جامعه است، هر دو ضد کارگری و کمونیستی، هر دو حافظ یک مشت سرمایه دار انگل و سرکوبگر و دزد و فاسد. اکنون نوبت این است که کارگر و جنبش سوسیالیستی مدعی باشد! باید به میدان بیاد، باید قدرت را بگیرد. راه قدرت یابی اش نیز دقیقاً پیگیری و پابی فشاری بر صف مستقل طبقاتی خود، به یک سیاست روشن، شفاف و انقلابی، درس گرفتن از تجربه سال ۵۷، پرهیز از یوپولیسیم بازی و "همه با هم" بودنهای فریبکارانه، و دست بردن به ابزارهای سرنگونی طلبانه به شیوه انقلابی در بعد کارگری، توده ای، حزبی، مسلحانه، و اتکا صرف به مبارزه و سیاست و صف مستقل و واحد سوسیالیستی جنبش خود!

iransocialist2017@gmail.com

حزب سوسیالیست انقلابی ایران

iransocialist2017@gmail.com

www.sinoz.org



WE REQUIRE THE IMMEDIATE RELEASE OF ESMAEIL BAKHSHI, SEPIDEH GHALIYAN, AND ALL THE OTHER LABOUR ACTIVIST WHO ARE IN PRISON IN IRAN

THIS LETTER IS SIGNED SEPARATELY BY:

Bente Sorgenfrey, First Vice President, Danish Trade Union Confederation (FH).

Heidi Rønne, International Adviser, Danish Trade Union Confederation (FH).

Jesper Nielsen, Head of The International Department, United Federation of Danish Workers (3F).

Eva Flyvholm, Member of Parliament, Red-Green Alliance Denmark, Spokesperson on Foreign affairs.

Finn Sørensen, Member of Parliament, Red-Green Alliance Denmark, Spokesman on Labour Market Affairs.

Søren Søndergaard, Member of Parliament, Red-Green Alliance Denmark, Spokesman on European Affairs.

Trade Union Committee of The Red-Green Alliance Denmark.

Anders Olesen, Trade Union Coordinator, Red-Green Alliance Denmark.

Jan Hoby, Vice Chairman in LFS.

Marxistiske Studerende, Copenhagen University and Roskilde University, Denmark.

Revolutionære Socialister, Danish Section of the International Marxist Tendency.

The Haft Tapeh Sugarcane Workers' Syndicate reported yesterday that at 11:55 PM, Sunday January 20th, 2019 a caravan of fifteen patrol cars full of armed security and intelligence forces raided Esmail Bakhshi's house and have taken him away to an undisclosed location.

The Haft Tapeh workers syndicate stated that such blatant display of armed repression is an indication of utter desperation from capitalists and their sponsors in their response to workers' legitimate demands. "What is the meaning and aim of an armed attack on the residence of a worker in the dark of the night? Sugarcane workers Syndicate strongly condemns this attack and demands the immediate and unconditional release of Messrs. Esmail Bakhshi, Ali Nejati and all other incarcerated workers."

Crucial Background information:

Esmail Bakhshi, a representative of Haft Tapeh Sugarcane workers, was incarcerated for almost a month, between November 18, 2018 to December 12, 2018, and subject to most horrendous forms of physical and psychological torture during his detention. Upon his release Mr. Bakhshi issued a statement challenging the Minister of Intelligence to a live television debate (see the link below) about his torture while he was incarcerated. Mr. Bakhshi's bold response has garnered him tremendous public support and also caused a massive, public response about the issue of torture under the Islamic Republic of Iran

In order to discredit Esmail Bakhshi and the claim of torture in Iran's detention centers, on 19 January, 2019, the state television aired a so called "documentary" in which Bakhshi and Ali Nejati, a member of the board of directors of Haft Tapeh Sugarcane workers, along with a few others, were shown, confessing to their "crimes" of connecting with "Marxist" and "communist" groups in Iran and labour activists abroad. But since the public knows very well these statements were made under torture and threats, there has been a great backlash against the government and increased public sympathy for Esmail Bakhshi, Ali Nejati and other tortured detainees.

The Islamic Republic of Iran and its intelligence and judiciary forces are aiming not only to discredit Sugarcane workers' protests by this "documentary" but also to use it as a prelude and as an excuse to unleash a massive, nation-wide campaign of repression against all protesting workers and their supporters. In that so called "documentary" they have also plotted against Ahvaz steel workers and their strike actions.

نشریه شنبه هامنتشر میشود

روزهای شنبه هر هفته نشریه "سوسیالیسم امروز" منتشر میشود. آخرین زمان برای ارسال مطالب برای نشریه روزهای پنجشنبه هر هفته است.

موازین انتشارمقالات در نشریهسوسیالیسم امروز:

- سردبیر در انتشار، رد و ویرایش مقالات آزاد است!
- مقالاتی در این نشریه منتشر میشوند که تنها برای این نشریه فرستاده شده باشد.
- مسئولیت مقالات با نویسندگان آن است.
حداکثر حجم مطلب منتشره در نشریه دو صفحه آ ۴ با فونت ۱۲ میباشد.

مقالات و گزارشات خود را لطفاً به این آدرس ایمیل بفرستید:

S_zijji@yahoo.se

به ما کمک مالی کنید

از طریق این شماره حساب کمک های مالی خود را برای ما بفرستید.

SWEDEN
SEB BANK
50550056411

هر میزان از کمک مالی شما انسانهای مبارز و دلسوز مستقیماً به پیشرفت ما در جهت گسترش مبارزه خود برای آزادی و برابری و تداوم مبارزه همه جانبه تر خود به منظور سرنگونی جمهوری جنایتکار اسلامی کمک فوری خواهد کرد.

Ms. Sepideh Gholian, an independent journalist and social activist, who was also arrested on November 18, 2018 because of her solidarity efforts in support of sugarcane workers, was subject to inhumane physical and psychological torture during her detention as well. Ms. Gholian's response to airing of this "documentary" was to emphasize the fact that all her statements while she was incarcerated were detained through torture. In response to her continued defiance government security forces attacked Ms. Gholian's residence on 20 January, 2019 and arrested both she and her brother (both of them and their mother were beaten and bloodied). On the same day Esmaeil Bakhshi's house was also raided, on 11:55 PM, by a caravan of fifteen patrol cars, packed with armed security and intelligence forces, who detained Mr. Bakhshi and have moved him to an undisclosed location.

The international labour movement knows really well about the anti-worker and repressive policies and practices of the Islamic Republic of Iran and its bloody history of repression in the past forty years, and all the reports and evidence at the moment points to yet another massive nation-wide campaign of repression at work. We urge all progressive individuals, Human Rights institutions and Labour unions and organizations to stand with incarcerated Iranian workers and their supporters, and to demand their immediate and unconditional release.

Letter is prepared by:

International Alliance in Support of Workers in Iran (IASWI)
January 21, 2019



iransocialist2017@gmail.com

www.simroz.org



۰۰۳۳۷۵۸۰۷۸۴۱۰ / ۰۰۴۷۹۲۸۳۱۳۷۶ / ۰۰۴۶۷۶۲۳۴۹۶۸۳

حزب سوسیالیست انقلابی ایران، حزب طبقه کارگر، حزب جنبش رهایی زن، و حزب جوانان پرشور و انقلابی و همه انسانهای مبارز و سوسیالیست است. نیاز واقعی جامعه ایران و ضرورت سازماندهی مبارزه سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و ملیتانت علیه وضع موجود و برای سرنگونی نظام سرمایه داری جمهوری اسلامی و همه ارکان مذهبیش ضرورت اولیه سازماندهی چنین حزبی را برای جنبش ما ایجاد کرده است.

حزب سوسیالیست انقلابی ایران همه کارگران و زحمتکشان، همه مبارزان راه آزادی و برابری را به پیوستن به صفوف خود فرامیخواند!

حزب سوسیالیست انقلابی را به دوستان خود معرفی کنید. در اشکال مختلف تاسیس حزب انقلابی خود و آرم و آدرسهای تماس با آن را در مراکز کارگری و میدانی شهرها و محلات پخش کنید. در هر جا که هستید چه به شیوه فردی چه با تشکیل محافل و گروههای مورد اعتماد خود به عضویت حزب سوسیالیست انقلابی در بیایید.

از هر راهی که از نظر امنیتی مناسبتر میدانید با حزب تماس حاصل نمایید.

زنده باد حزب سوسیالیست انقلابی!، زنده باد سوسیالیسم!، مرگ بر جمهوری اسلامی!

اخراج و بیکارسازی موقوف!